

بازار

اثر ژانویه بر دلار

چگونه تقاضای فصلی، دلار را صعودی کرد؟

بازار ارز ایران در روزهای اخیر با جهش تازمای مواجه شده است؛ چپشی که اگر چه همزمان با سیگنال‌های سیاسی و نوسانات منطقه‌ای رخ داده، اما بررسی‌ها نشان می‌دهد عامل اصلی آن افزایش تقاضای فصلی در آستانه سال نوی میلادی و اثر ژانویه و انتظارات تورمی است؛ الگویی تکراری که تقریباً هر سال بازار ارز ایران را تحت‌فشار قرار می‌دهد.

به گزارش همشهری، دلار آزاد که هفته گذشته در محدوده ۱۱۴ هزار تومان معامله می‌شد، روز گذشته به مرز ۱۱۹ هزار تومان رسید. دلار هرات، درهم امارات و بازارهای منطقه‌ای نیز در مسیر مشابه حرکت کردند؛ نشانه‌ای از آنکه تقاضای فصلی نه‌فقط داخلی، بلکه در سطح منطقه‌ای نیز فعال شده است.

تحلیلگران معتقدند آنچه در ظاهر به‌عنوان نوسان بازار داخلی دیده می‌شود، در واقع بازتاب یک چرخه جهانی و منطقه‌ای است که هر سال با شروع ژانویه خود را در بازار ارز ایران نشان می‌دهد. با این حال افزایش تقاضای فصلی همه ماجرا نیست.

جهش اخیر دلار حاصل مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی است، اما مهم‌ترین نیروی محرک آن افزایش تقاضای فصلی پایان سال میلادی و چرخه همیشگی ژانویه است؛ چرخه‌ای که امسال به‌دلیل نااطمینانی‌های سیاسی و تورمی با شدت بیشتری ظاهر شده است.

اثر ژانویه چیست و چرا مهم است؟

در سال‌های اخیر الگوی مشخصی در بازار ارز ایران دیده می‌شود. در آذر دی، به‌ویژه هفته‌های منتهی به سال نوی میلادی، تقاضا برای ارز افزایش می‌یابد. این پدیده که در میان فعالان بازار به اثر ژانویه مشهور شده، آ‌ریشه اصلی دارد.

۱ تسویه حساب‌های تجاری پایان سال

واردکنندگان و شرکت‌هایی که با طرف‌های خارجی کار می‌کنند، معمولاً پیش از بسته‌شدن سال مالی باید بدهی‌ها، حواله‌ها و پرداخت‌های دلاری خود را انجام دهند. این موضوع موجب افزایش ناگهانی تقاضا برای حواله و اسکناس در هفته‌های پایانی سال میلادی می‌شود.

۲ سفارش گذاری کالای زمستانی و ابتدای سال

بسیاری از واردکنندگان برای تأمین نیازهای سال آینده یا موجودی فصل زمستان، سفارش‌های خود را در آذر و دی نهایی می‌کنند. این الگوی زمانی باعث می‌شود فشار تقاضای ارزی حتی پیش از شروع ژانویه خود را در بازار نشان دهد.

۳ جهش سفرهای خارجی

افزایش سفرهای کاری و خانوادگی ایرانی‌ها در ماه‌های آذر و دی، چه برای تعطیلات کریسمس و چه برای سفرهای تجاری، یکی دیگر از عوامل رشد تقاضای اسکناس است؛ سفرهایی که در آمار رسمی دیده نمی‌شود اما در بازار آزاد اثر مشخصی بر جای می‌گذارد.

ضرورت چتر حمایتی دولت

ادامه از صفحه اول
دستور کار قرار بگیرد اما دوباره این شیوه توزیع بارانه نیز ممکن است به سر نوشت همان بارانه ارزی دچار شود.

بر این اساس، مهم‌ترین کاری که دولت می‌تواند انجام دهد «اصلاح نظام بارانه» است. ما از سال گذشته تاکنون، بیش از ۱۰ میلیارد دلار از ارز ترجیحی به واردکنندگان کالاهای اساسی دادیم (تا نرخ دلار ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان)، اما رشد قیمت همین کالاهای یک سال اخیر، حتی از کالاهایی که با ارز غیر ترجیحی وارد شده‌اند نیز بیشتر بوده است. این نشان‌دهنده رانتی عظیم است که ما در میان عده‌ای خاص توزیع می‌کنیم و به هدف اصابت نمی‌کنند.

در حال حاضر، انواع بارانه‌ها به جامعه هدف اصابت نمی‌کند و دولت باید مسیر را تغییر دهد و بارانه‌ها را مشابه تجربه موفق گذشته به سمت مردم هدایت کند. در مورد کالاهای اساسی، سادتر از کالابرگ این است که پارانه اعطایی به تولید و واردات را مستقیماً به مردم بدهد تا متناسب‌سازی وضعیت معیشت مردم و قیمت کالاهای اساسی انجام شود.

بدون این اصلاح، دولت با شرایط به معیشتی کنونی، منابع کافی برای حمایت گسترده نخواهد داشت و متناسب‌سازی قیمت کالاهای اساسی با منابع خرد و جزئی نیز امکان پذیر نیست. البته اصلاح نظام بارانه‌ای که کشور متنافت اقتصاد و زندگی مردم را شامل می‌شود، می‌تواند هر حله‌ای انجام دهد. ابتدا می‌توان بارانه کالاهای اساسی را حذف و معادل آن را نقدی به مردم پرداخت کرد. این بارانه تاکنون به جیب اقلیتی خاص رفته و هدف سیاستگذار را محقق نکرده، پس بهتر است که به خود مردم داده شود.

در مراحل بعد، می‌توان اصلاح بارانه سوخت، انرژی و... را در دستور کار قرار داد. تجربه نشان می‌دهد اگر این تغییر به‌درستی اجرا شود، شوک تورمی بر جسته‌ای ایجاد نمی‌کند و منابع حیضومیل نمی‌شود. پرداخت مستقیم ۱۰ میلیارد دلار به مردم، می‌تواند شوکی مثبت به قدرت خرید باشد و گسترش چتر حمایتی دولت بر معیشت مردم را عملاً اجرا کند.

با تورم‌های سه‌گین فعلی و کاهش شدید ارزش پول ملی، سید معیشتی مردم با اقدامات جزئی پر نخواهد شد. در اقتصادی که فاق حکمرانی داده است، دولت احاطه کاملی بر گردش پول و کالا ندارد، نظارت‌ها ضعیف است و حیضومیل منابع بالاست، تزریق بارانه به تولید و واردات تنها به‌معنای ایجاد رانت است و راه‌حلی جز پرداخت مستقیم به مردم نمی‌ماند.

باید هر بخشی از بارانه‌ایی را که می‌توان از تولید یا واردات حذف کرد، به مبلغ بارانه نقدی مردم اضافه کرد. مبلغ فعلی بارانه نقدی و کالابرگ (چندصد هزار تومان) عددی ناچیز و بی‌معناست. ما نیاز به یک شوک بزرگ به قدرت خرید مردم داریم. اگر نتوانیم شوک بزرگی به قدرت خرید مردم وارد کنیم، وضعیت فقر وحشتناک خواهد شد و اگر نظام توزیع بارانه تغییر نکند، دولت هم قادر به حمایت اساسی از معیشت مردم نخواهد بود.

۲۰ درصد

دبیر انجمن سازندگان قطعه و مجموعه‌های خودروی کشور، با بیان اینکه سهم خودروها در آلودگی هوا کمتر از ۲۰ درصد است گفت: حدود ۴۰ درصد آلودگی هوا ناشی از سوخت نیروگاه‌هاست. همچنین نزدیک به ۲۰ درصد آلودگی ناشی از منابع ثابت مانند کارخانه‌های سیمان و سایر صنایع با مصرف سوخت بالاست.



مدیرعامل اتحادیه دام سبک گفت: قیمت دام زنده نسبت به اواخر تیرماه از ۲۵۰ هزار تومان به حدود ۳۳۰ هزار تومان رسیده، یعنی ۸۰ هزار تومان افزایش. این رشد حدود ۳۰ درصدی در بخش تولید طبیعی است، اما افزایش قیمت گوشت در بازار بسیار فراتر از این مقدار بوده و نشان‌دهنده مشکلات جدی در نظام توزیع محصولات کشاورزی و گوشت است.

۳۰ درصد

اجرای کالابرگ با مدل مجلس یا دولت؟

مناظره درباره طرح جدید کالابرگ و اختلاف مجلس و دولت در تلویزیون همشهری

نشده است. در همین زمینه میزگرد تلویزیون همشهری به موضوع کالابرگ اختصاص داشت که در آن عطا بهرامی، کارشناس اقتصادی و فاطمه مقصودی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس به بیان نظرات خود پرداختند.

داده‌اند از ماه جاری کالابرگ با شیوه جدید عرضه کالاها با قیمت ثابت اجرا خواهد شد. ابتدا ۵۳ دهک کم‌درآمد از کالابرگ برخوردار خواهند شد و سپس نوبت دهک‌های متوسط خواهد شد. با این حال اطلاعات دقیقی از شیوه جدید منتشر

به‌طوری‌که قیمت کالاهای اساسی برای مردم حداقل تا پایان سال ثابت بماند. مهم‌ترین مانع اجرای این طرح، تأمین منابع آن است که قرار است در آمد حاصل از گران‌شدن بنزین صرف این موضوع شود. در هر حال آنگور که مسئولان دولتی وعده

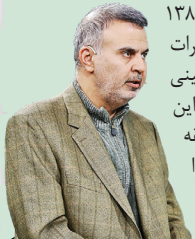
بهزاد رنجبر | روزنامه‌نگار | گزارش
اخیر مورد توجه دولت و مجلس قرار گرفته است. سرانجام با پیگیری‌های مجلس قرار شد هر حله جدید کالابرگ با شیوه تازه‌ای اجرا شود؛



طرح رضا احمدوند

نداریم! اما با توزیع کالابرگ می‌توان تضمین کرد که خانوارهای ضعیف حداقل مواد خوراکی اساسی خود را دریافت کنند.

بهرامی: هنوز ارقام کالابرگ در شیوه جدید اعلام نشده است. ۵۰۰ هزار تومانی که اعلام شده حدود ۴ درصد حداقل حقوق می‌شود. اینکه دولت و مجلس دغدغه معیشت دارند، ارزشمند است. همین رقم ۵۰۰ هزار تومان با اینکه ناگافی است، اما حتماً به مردم کمک می‌کند. تجربه کالابرگ را در دهه ۶۰ داریم؛ اما شاخص ضریب جینی در دهه ۶۰ ثابت ماند و کاهش نیافت. این در حالی است که در آن زمان جمعیت کشور ۴۰ میلیون نفر بود؛ اما توزیع کالابرگ سبب بهبود عدالت شد. بنابراین تجربه نشان می‌دهد توزیع کالابرگ به بهبود ضریب جینی منجر نشده است، اما در سال ۱۳۸۹ نمی‌شود. توزیع مستقیم کالابرگ برای خانوارهای ضعیف بسیار مؤثر است و بارانه را به‌طور مستقیم و هدفمند توزیع می‌کند. دهک‌بندی‌ها اشتباه است و ایرادات زیادی دارد؛ اما روش دقیق‌تری ترجیح می‌دهند.



یارانه نقدی بهتر است یا کالایی؟ مقصودی: مجلس برای کمک به معیشت مردم کالابرگ را تصویب کرده؛ اما به‌نظر می‌رسد شیوه اجرای قبلی به‌صورت کارت اعتباری را نقد نمی‌تواند هدف مدنظر مجلس را محقق کند. ما قصد داریم در شرایط سخت اقتصادی، کالابرگ با قیمت ثابت به مردم عرضه شود. ما معتقدیم اعطای رقم ثابت نقدی، تکاوی تورم را ندارد. وقتی قیمت‌ها افزایشی است اما رقم کالابرگ ثابت است، نمی‌توان این را حمایت نامید. اما با طرحی که مدنظر مجلس است، با تثبیت قیمت کالاها، حمایت قوی از مردم اجرا می‌شود. دولت باید به همین شیوه که مجلس تصویب کرده عمل کند. اینکه به جای کالابرگ به مردم پول نقدی بدهیم از لحاظ منطقی درست نیست؛ چراکه سبب انحراف در مصرف بارانه می‌شود و تأمین خوراک مردم کم‌درآمد محقق نمی‌شود. توزیع مستقیم کالابرگ برای خانوارهای ضعیف بسیار مؤثر است و بارانه را به‌طور مستقیم و هدفمند توزیع می‌کند. دهک‌بندی‌ها اشتباه است و ایرادات زیادی دارد؛ اما روش دقیق‌تری ترجیح می‌دهند.



کالاهای مشمول کالابرگ چطور انتخاب شده‌اند؟

بهرامی: ۱۱ اقلیم کالایی که قرار است در کالابرگ عرضه شود، شاید مورد تقاضای همه مردم نباشد. ممکن است این ۱۱ اقلیم کالا با رانت مشخص شده باشند. سبب ضروری خانوار ۵۳ اقلیم کالا است.

مقصودی: ۱۱ اقلیم کالای سید کالابرگ محصولاتی است که بیش از همه مورد مصرف مردم است و طبق استانداردهای ملی تعیین شده است. در دهه ۶۰ کالابرگ توزیع می‌شد، وضع مردم خیلی بهتر بود و رضایت نسبی وجود داشت و مردم در تأمین خوراک مشکلی نداشتند. با عرضه کالابرگ، حداقل تأمین خوراک مردم را تضمین می‌کنیم. وقتی به‌جای عرضه کالاهای اساسی فقط پول بدهیم، مشخص است که امنیت غذایی با توجه به تورم شدیدی که حاکم است، محقق نخواهد شد. توزیع سید کالابرگ می‌تواند به بهبود غذایی خانوارها خصوصاً اقشار کم‌درآمد کمک کند.

و در کوتاه‌مدت ممکن نیست؛ اما می‌توان با توزیع کالابرگ، به بخش تأمین خوراک مردم کمک کرد. با توزیع کالابرگ، پروتئین و ویتامین مورد نیاز خانوارهای ضعیف تأمین می‌شود. دولت باید منابع پایدار ایجاد کند. یکی از منابع تأمین کالابرگ در مرحله فعلی فروش گاز است؛ اما منبع پایداری نیست. ما نمی‌توانیم به امید رفع مشکل مسکن صبر کنیم تا مردمی که دچار سوءتغذیه‌اند در همین وضعیت بمانند.

راه کمک به معیشت خانوارها چیست؟

بهرامی: اگر به ۵ دهک کم‌درآمد به‌ازای هر نفر ۲۰ کیلوگرم مرغ و برنج بدهیم، به ۱٫۸ میلیارد دلار نیاز داریم که معادل ۱۸۰ هزار میلیارد تومان می‌شود. توزیع این پول احتمالاً با رانت همراه می‌شود. انتخاب فروشگاه‌های عرضه کالابرگ هم به‌نظم با رانت همراه خواهد بود. ضمن اینکه با این رقم بارانه مشکلی از مردم حل نمی‌شود.

رقم ۵۰۰ هزار تومانی یک کمک حداقلی است. در سال ۱۳۸۹ به هر نفر بارانه نقدی معادل ۵۴۰ دلار می‌دادیم که بسیار مؤثر بود و ضریب جینی را به‌شدت کاهش داد. یکی از کارهای مهمی که مجلس باید انجام می‌داد، آزاد کردن تجارت کالاهای اساسی بود. الان مرغ در بازار جهانی به قیمت هر کیلوگرم یک دلار عرضه می‌شود که حتی با دلار آزاد هم از نرخ فعلی در بازار ایران ارزان‌تر می‌شود. این در حالی است که ۴ میلیارد دلار خوراک مرغ وارد می‌کنیم و با ارز ۲۸۵۰۰ تومانی هم وارد می‌کنیم؛ اما از نرخ جهانی آن گران‌تر به مردم می‌فروشیم. اگر تجارت را باز کنیم که مرغ با ارز آزاد وارد شود، مردم با قیمت کمتری مرغ می‌خرند و هدف دولت و مجلس برای کمک به معیشت مردم محقق خواهد شد.

مقصودی: اگر به هر خانوار بسته مشخصی از کالاهای اساسی بدهیم و خیالش راحت باشد که هر ماه برنج، گوشت و مرغ را دریافت می‌کند، آرامش خاطری در خانوارها ایجاد می‌شود. اما اعطای بارانه نقدی سبب تورم هم می‌شود. ما می‌گوییم به‌جای پرداخت پول نقدی، کالاهای اساسی با قیمت ثابت عرضه شود. ما معتقد نیستیم که کالابرگ ۵۰۰ هزار تومانی همه مشکلات مردم را حل می‌کند؛ اما قطعاً بخشی از بار هزینه‌ها کم شود.

افزایش قیمت بنزین قطعاً موجی از گرانی‌ها را در همه کالاهای ایجاد می‌کند. ما تنها کشوری هستیم که ارز ترجیحی به واردکننده می‌دهیم. هیچ کشوری این کار را نمی‌کند.

نگاه ما به کالابرگ، سیاسی نیست؛ بلکه به‌دنبال تثبیت قیمت‌ها هستیم. حداقل برای این چند قلم کالای اساسی.

یادداشت عیسی بزرگ‌زاده: سخنگوی صنعت آب کشور

آب، میدان تقابل دو خیر



در ایران تشنه، آب دیگر موضوع مهندسی نیست؛ صحنه‌ای هستی‌شناختی است که دو خیر راسبتی در آن روبه‌روی هم ایستاده‌اند. دولتی با عقلا نیت تکنوکراتیک، آب را ستون امنیت ملی و موتور توسعه می‌داند و جامعه مدنی با عقلا نیت اخلاق‌محور، آن را حق نسل‌ها و بنیاد عدالت زیستی می‌خواند. اینجا نه خبر خیر و شر که ترازدی «تقابل دو خیر» است، دو دغدغه‌ای که هر یک خود را پاسدار آینده می‌دانند، اما نااهمانگی ذهنی و بی‌اعتمادی تاریخی، ظرفیت همکاری را خنثی کرده است.

دولت در معادلات امنیت غذایی، کنترل مهاجرت و پایداری اقتصاد، آب را ازنای حیاتی می‌بیند؛ جامعه مدنی آن را سرمایه‌ای تجدیدنپذیر می‌داند که نباید قربانی محاسبات کوتاه‌مدت شود. این عقلا نیت‌های مشرور اما نااهمگون، به «چرخه شوم پیش‌دفاع» دامن زده‌اند؛ دور باطل روان‌شناختی که هر کش حتی خیرخواهانه را تهدیدی برای طرف مقابل می‌پندارد. دولت پیش از گفت‌وگو هراس امنیتی دارد و جامعه مدنی پیش از مشارکت، آن را نمایش می‌پندارد. این بی‌اعتمادی ریشه در حافظه جمعی و فرسایش سرمایه اجتماعی دارد؛ فرسایشی که شکاف میان روایت رسمی توسعه و تجربه زیسته مردم از تخریب سرزمین را می‌سازد.

آب در فرهنگ ایرانی همواره حامل معنا بوده؛ پاکی، برکت، عدالت و آشتی. وقتی این معنا پشت ارقام و پروژه‌های کلان گم می‌شود، اعتراض تنها یک تقاضای مدیریتی نیست؛ واکنشی فرهنگی و وجودی است، خطایی تمدنی. هر سد محلی، هر چاه مجاریز، هر رودخانه‌ای که در کام توسعه می‌رود، گسست از خرد جمعی و پیمانی است که با تاریخ و آینده سرزمین بسته شده است.

با این همه، بن‌بست محتوم نیست. راه برون‌رفت نه در پیروزی یک خیر بر دیگری که در هم‌افزایی خیرهای جمعی است. دولت داده، ساختار و قدرت اجرایی دارد؛ جامعه مدنی اعتماد اجتماعی، شبکه‌های محلی و توان روایت‌سازی. این دو، دوروی یک سکه‌اند که تنها با هم می‌توانند حرکت کنند. گذار از این ترازدی نیازمند «دگرگونی آرام ذهنی» است؛ دولتی که بداند اقتدار واقعی در مشارکت است و جامعه مدنی‌ای که در یابد اخلاق مطلق، بدون عبور از پیچیدگی سیاست‌گذاری و مسئولیت‌های ناگزیر، به آرمان‌گرایی غیرعملی بدل می‌شود. آینده در گرو نهادهای واسطه است؛ نهادهایی که جایگاهی واقعی برای سمن‌ها در پایش، آموزش و مدیریت محلی آب فراهم کنند. مسیر هموار می‌شود وقتی دولت شفاف و ثابت‌قدم است و جامعه مدنی واقع‌بین و مشارکت‌جویانه عمل می‌کند. در «عصر کمبود» هدررفت انرژی ملی در تقابل‌های غیرضروری، دیگر ائتلاف فرصت نیست؛ تهدیدی تمدنی است.

آب منتظر نمی‌ماند. اگر دو خیر بر مواضع خود پافشاری کنند، فرسودگی آنان زیست‌بوم ایران را به ورطه نابودی خواهد کشید. اما اگر هر یک حقیقتی را که دیگری ندارد بپذیرد؛ دولت حقیقت نظم و امکان، جامعه مدنی حقیقت طبیعت و اخلاق و آن را در کنار هم بنشاند، آنگاه می‌توان امید داشت که آب بار دیگر محور «آشتی» عقلا نیت و توسعه پایدار» ایران شود. این تنها انتخاب پیش‌روست؛ انتخابی که تاریخ شکستش را بر ما نخواهد بخشید.